بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

 اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأرضِ کَمَا استَخلِفَ الَّذِینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ الِّذِی ارتَضَی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً یَعبُدُونَنِی لَا یُشرِکُونَ بِی شَیئاً وَ مَن کَفَرَ بَعدَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ هُمُ الفَاسِقُونَ [[1]](#footnote-1)

راجع به وجود اقدس امام عصر عَجَّلَ اللهُ تَعالی فرجه الشریف آیات زیادی از قرآن تعبیر شده. که از جمله همین آیه ای که تلاوت شد که پروردگار حکیم بشارت می‌دهد بشارت حکومت را بشارت سلطنت مومنین صالح العمل را بر زمین و ترس و وحشت را مبدل به امنیت مطلقه و عالم گیر شدن دین مقدس اسلام.اینها را از قرآن کریم استفاده می‌کنیم که بطور وعدۀ حتمی و قطعی بشارت داده است و البته این نه تنها منطق قرآن است بلکه قانون طبیعی عالم همین مطلب را نشان می‌دهد که یکی از مسلّمات در عالم قانون تکامل است که هر موجودی از مرحلۀ نقص به سوی مرحلۀ کمال حرکت می‌کند در حال حرکته.همۀ موجودات از روز اول آفرینش هر موجودی را که خداوند آفریده او را هدایت کرده به سوی همان کمالی که باید بدست بیاورد.یک دانۀ گندم را در نظر بگیرید که در خاک رفته است این زبانحالش اینه که من به این حال نمی‌مانم بلکه حرکت می‌کنم و تحت عوامل و شرایط گوناگون قرار می‌گیرم تا اینکه بصورت سبزه ای سر از خاک بر می‌آورم ساقۀ بند بندی پدید می‌آورم و هر ساقه ای مشتمل بر سنبل های افشان و دارای صد یا هفتصد دانۀ گندم می‌شود خب این حرکت تکاملیه یک دانۀ گندمه.این حرکت می‌کند به کمال نوعی خودش می‎رسد.یا نطفۀ یک انسان که شروع به رشد و نمو می‌کند او هم زبانحالش همینه یعنی او هم مراحل تکامل را طی می‌کند تا همین نطفۀ پست و ناچیز بشود یک فرد انسان کامل دارای قامت رعنایی چهرۀ زیبایی مغز متفکر دانشمندی بینا و دانا که زمین و آسمان را به هم می‌پیچد و جو و ماوراء جو را می‌شکافد بلکه خود را به عرش اعلی خدا می‌رساند می‌شود ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّی\* فَکَانَ قَابَ قَوسَینِ أَو أَدنَی[[2]](#footnote-2) برسد به جایی که

 ز احمد تا احد یک میم فرق است جهانی اندر این یک میم غرق است

این هم یک نمونه ای است از قانون تکامل در عالم.ما همۀ موجودات و مخلوقات را که در نظر بگیریم از روز اول پیدایششان رو به حرکت می‌روند به کمال نوعی خودشان برسند حالا از جملۀ موجودات در این عالم جامعۀ انسان است.خود جامعه هم محکوم قواعد و قوانین خاص به خودش است یعنی این قانون هم از قاعدۀ کلی عالم مستثنی نیست جامعۀ بشر هم از قانون تکامل مستثنی نیست از همان روز اول پیدایش جامعۀ بشر هم شروع کرده به تکامل حرکت می‌کند تلاش می‌کند تقلا می‌کند تا کمال خود را بدست بیاورد.کمال جامعۀ بشر چیه؟ امنیت صفا صمیمیت عدل قسط برسد به مرحله ای که وحشیت درش نباشه درنده خوئی نباشد رذالت جنایت خیانت نباشه بلکه یه جامعه ای بشود عفیف جامعه ای بشود امین عادل دارای صفا و صمیمیت و مودت و مساوات حریت باید به این مرحله برسد می‌کوشد به این مرحله برسد از اول هم برای همین خلق شده ولی به عیان می‌بینیم که نرسیدیم بعد از گذشت هزاران سال قرن های متمادی که تقلا کرده تلاش می‌کند که برسه و هنوز نرسیده هنوز جامعۀ انسانها نشده است.هنوز جامعۀ حیوانیت وحشیت درنده خویی رذالت جنایت خیانت در نهایت درجه اش در این دنیا مشاهده می‌شود.اون روز جهان می‌شود جهان انسانی که جهان عصمت شود دنیای طهارت بشود و به کلی بساط حیوانیت و بهیمیت و سبوعیت برچیده بشود اگر رسید به اونجا می‌شود کمال جامعۀ بشری.اونوقت می‌شود جامعۀ کامل و تقلا می‌کند که برسد و نرسید و نظام حکیمانۀ خلقت هم دست بردار نیست تا اون موجود را به کمال نرساند او را رها نمی‌کند اصلا نظام عالم اینه تا گندم را نرساند به سنبلی نکند پر از دانه های گندم رها نمی‌کند تا نطفه را حرکت ندهد نرساند به به سر حد انسانیت رها نمی‌کند چنین می‌پندارد که أیَحسَبُ الأنسانُ أَن یُترِکَ سُدیً [[3]](#footnote-3)1 چنین می‌پندارد که رها می‌کند؟ أَلَم یَکُ نُطفَةً مِن مَنِیٍ یُمنَی [[4]](#footnote-4)2 اگر بنا بود رها بشود که در نطفه رها می‌شد.دیدید رها نشد أَلَم یَکُ نُطفَةً مِن مَنِیٍ یُمنَی\*ثُمَّ کَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّی\* فَجَعَلَ مِنهُ الزَّوجَینِ الذَّکَرَ وَ الأُنثَی [[5]](#footnote-5)3 خب همین نطفه بود که ما بالاخره در مسیر تکامل انداختیم علقه اش کردیم مضغه اش کردیم جنینش کردیم همینطور داریم پیش می‌بریمو هر چه جلوتر می‌رود کاملتر می‌شود

 از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم

 مردم از حیوانی و آدم شدم پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم

 حملۀ دیگر بمیرم از بشر تا بر آرم از ملایک پر و سر

 وز ملک هم بایدم جستن زجو کل شیء هالک الا وجهه

 بار دیگر از ملک قربان شوم آنچ اندر وهم ناید آن شوم

نظام خلقت رها نمی‌کند تا به کمال نرساند دست بر نمی‌دارد جامعۀ انسان را هم نظام حکیمانۀ خلقت تا به حد کمالش نرساند جامعۀ انسانها نسازد رها نمی‌کند هنوز جامعۀ انسانها نشده جامعۀ حیوانیت و وحشیت و سبوعیتی ست که در درجۀ عالی برش حاکم شده.بنابراین منطق عقل قانون طبیعت به ما نوید می‌دهد بشارت می‌دهد که جامعۀ بشر بطور مسلم یک روز ایده آل دارد یک روزگار بسیار فرخنده دارد که وقتی به اونجا رسید تمام آمال و آرزوهای فطری و طبیعی اش همه اش به حد فعلیت خواهد رسید و جنایت ها خیانت ها برچیده می‌شود بجای اون حکومت عدل و قسط آسایش و امنیت در درجۀ اعلی حکومت می‌کند و تمام افراد انسانها در مهد امن و امان و صمیمیت و برابری زندگی می‌کنند این بشارتی ست که قانون طبیعت به ما می‌دهد حالا نه قرآن قانون طبیعت تکامل منطق عقل میگه جز این راهی نیست حتما باید به اینجا برسد این مسلمه این ما به قرآن هم مراجعه نکنیم ما این مطلب را از قانون طبیعی تکامل که تجلیات آنرا در تمام عالم مشاهده می‌کنیم ما می‌فهمیم آنرا.بعد وقتی به قرآن می‌رسیم میگیم قرآن کریم همین قانون طبیعی را تعریف می‌کند او هم نوید می‌دهد او هم بشارت می‌دهد قرآن کریم هم برای جامعۀ بشر یک روزگار فرخنده ای را نشان میده که باید برسد به اون روزگار.با بیانات مختلف در مواضع متعدد فراوان مثلا وَ لَقَد کَتَبنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ أَنَّ الأرضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ[[6]](#footnote-6)1 ما مقرر کرده ایم و نوشته ایم و نوشتۀ ما هم خلاف پذیر نیست بطور مسلم باید زمین بیفته به دامن عباد صالح و بالاخره عالم باید تحت سیادت و حکومت عباد صالح درآید. این قطعیه لَقَد هم لام درش هست هم قَد درش هست لَقَد کَتَبنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ گذشته از اینکه در کتاب های آسمانی تورات و غیر تورات مقرر کرده ایم در همۀ مراحل این مطلب مسلم شده که باید عباد صالح حاکم باشه هُوَ الَّذِی أرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدَی وَ دِینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه وَ لَو کَرِهَ المُشرِکُونَ [[7]](#footnote-7)2 خدا که دین حق را فرستاده رسول را فرستاده است هدفش این بوده که باید دین حق عالم را فرا بگیرد.باید شرق و غرب عالم در پوشش دین حق درآید و پرچم توحید باید در همه جای عالم دامن بگستراند این مسلمه.برای این ارسال رسول کرده دستگاه رسالت و نبوت و انزال کتب برای این بوده که برسد به اینجا لِیُظهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه وَ لَو کَرِهَ المُشرِکُونَ نخواستن کفار و مشرکین مستکبرین اینجا مطرح نیست چه بخواهند چه نخواهند وقتی شرایطی که در نظر هست موجود شد حتما این حقیقت باید لباس تحقق بپوشد.آیه هم که تلاوت شد همینه وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأرضِ[[8]](#footnote-8)3 خدا وعده کرده همون خدایی که لا یُخلِفُ المِیعاد خدا وعده کرده انسانهای مومن و صالح العمل را خلیفۀ در زمین قرار بده.خلیفه یعنی حکومت و سیادت عالم را بدست اونها بدهد لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأرضِ کَمَا استَخلِفَ الَّذِینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ حتما باید دین اونها را در زمین تمکن بدهد و تسلط بدهد که دین در عالم تسلط پیدا کند و دیگر وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً بعد از اینکه خوف و وحشت همه جا را گرفته خوف تبدیل به امن خواهد شد. وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً امنیت مطلقه عالم را خواهد گرفت یَعبُدُونَنِی لَا یُشرِکُونَ بِی شَیئاً که در اون صحنه دیگه شرک و کفر نیست محضا عبادت خدا خواهد بود خب این ها را ما از قرآن می‌فهمیم همان قانونی که تکامل نشان می‌دهد همان نتیجه ای که قانون تکامل نشان می‌دهد همان را با کمال صراحت بیان می‌کند.اگر مستضعفین را هم قرآن گفته پیشوا قرار بدهیم نه مستضعف مطلقه باز هم چون آیات قرآن در کنار هم باید قرار داده بشود وَ نُریِدُ أَن نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ استُضعِفُوا فِی الأرض[[9]](#footnote-9)1 ما قرارمون تعلق گرفته که مستضعفین در زمین خلیفه بشوند حاکم بشوند پیشوا بشوند نه مطلق از اون جهت که مستضعفه صرف مستضعف بودن که کمال نیست و راه رشد هم نیست بسیاری از مستضعفین محرومیت ها کشیده اند چون دستشان به جایی نمیرسه چون نمی‌توانند جنایت کنند اما همون ها اگر قدرت به دستشان بیفته جانی درجۀ اول می‌شوند خیانت هم می‌کنند پس مستضعف تا مستضعف هست نمی‌تواند کاری بکند وقتی که قدرت دستش بیفته میشه مستکبر دیگه مستکبر همونیه که قدرت دارد مستضعف اونیه که قدرت ندارد بسیار خب صرف نداشتن قدرت این آدم مقدسیه چون او قدرت ندارد آدم مقدسی و مثلا با امانته با بصیرته نه مگر رضا خان پهلوی مستضعف نبود؟مستضعف بود دیگه از یک خانوادۀ پستی بود ارزشی هم نداشت بعد هم آمد و یک مستکبر درجۀ اول شد و جنایت ها کرد دیگه خود مستضعف بودن معیار نیست ولذا باید آیۀ مستضعف را مقابل آیۀ استخلاف بگذاریم که اون تصحیحش میکنه چه کسانی را ما امامت و پیشوایی در زمین را به او می‌دهیم؟ وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مومنین صالح العمل را ما حاکمین در زمین قرار می‌دهیم لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأرضِ دینی دارند مرتضی وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ الَّذِی ارتَضَی لَهُم اون جمعیتی را ما حاکم قرار میدیم که دارای دین مرتضی هستند دین پسندیدۀ مورد رضای خدا همان دینی ست که علی مرتضی بالا سرشه دیگه دین مرتضی خدا همون دینی ست که علی مرتضی بالا سرشه که الیَومَ أَکمَلتُ لَکُم دِینَکُم و أَتمَمتُ عَلیکُم نِعمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُم الإسلامَ دِینا[[10]](#footnote-10)2 رضایت بر کدام دین؟اون دینی که روز غدیر علی امیر علیه الصلاةُ و السلام بر سرش گذاشته شد و زمامش به دست او سپرده شد ما اون کسانی که دنبال علی مرتضی هستند دینشان دین مرتضی ست اونها را ما وعده کرده ایم حاکم بر زمین قرار می‌دهیم. نه تنها خود مستضعف معلومه خود مستضعف از اون جهت که مستضعفه کاری ازش بر نمیاد.وقتی کاری زمام قدرت دستش باشه میشه مستکبر دیگه این که مطرح نیست ولذا آیۀ استضعاف باید کنار آیۀ استخلاف قرار داده بشود تا مراد معلوم بشه همیشه آیات قرآنی را بخواهیم ازش نتیجه بگیریم باید کنار هم قرار بدهیم اونی که جنبۀ تعقیبی دارد قرار بگیره کنار اونی که جنبۀ اطلاق دارد اطلاق آیه ای را با تعقیب یک آیۀ دیگری روشن می‌کنیم.عموم آیه ای را با تخصیص یک آیۀ دیگری روشن می‌کنیم. ولذا یک جنبۀ عمومی مراد اینه که همه کس و هر مستضعفی مسلم اینطوره منطق عقل همین را حکم می‌کند عقل هم میگه یه آدم مستضعف آدم خبیثی باشد و دستش به جایی نمیرسه وقتی که رسید به قدرت جنایت می‌کند فروان بوده اند افرادی تا دستشان به قدرت نرسیده بود مثل عبد الملک مروان این آدم تا قدرت نداشت آدم کبوتر حرم بقول مردم و مسجدی و همش با قرآن و گوشۀ مسجد نشسته و سجده کن و وقتی خبر دادند پدرت مروان مُرد و خلافت به تو رسید همانجا قرآن را بست و گفت هَذَا فِرَاقُ بَینِی وَ بَینِکَ[[11]](#footnote-11)3 از حالا از هم جدا می‌شویم افتاد در مسیر غیر قرآن اون همه جنایت ها کرد بنابراین معلومه این چیزیه که تاریخ نشان داده و منطق عقل اینه مطلق مستضعف خودش یک ملاک باشد و مثلا در عالم یک روزی مستضعف به حکومت برسه و اونم حکومت خدا پسندی داشته باشه که خدا بخواد اونو داشته باشه قرآن هم میگه اون کسانی که به حکومت می‌رسانیم و می‌خواهیم که برسانیم کسانی هستند که مومن صالح العمل باشند وَ لَقَد کَتَبنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ أَنَّ الأرضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ[[12]](#footnote-12)1 بندگان صالح باید برسند این هم میگه وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اون دستۀ مومن صالح العمل را ما وعده کرده ایم که استخلافش کنیم که خلیفه بشود.آیۀ استضعاف هم با همین آیه تفسیر میشه اونجا هم همین مستضعفین باید امام بشوند و به پیشوای عالم برسند نَجعَلَهُم أَئِمَّةً وَ نَجعَلَهُمُ الوَارِثِینَ[[13]](#footnote-13)2 که مومن صالح العمل باشند از این گروه باید باشند به هر حال آیات بطور کلی دلالت بر این مطلب می‌کند اما اون روزگار چه روزگاری ست؟کی خواهد بود؟و به دست چه کسی خواهد بود؟اونجا دیگه قرآن ساکته یعنی قرآن به جزئیات نظر نمی‌دهد که صلاح قرآن هم در همینه که جزئیات بیان نکند ائمه علیهم السلام اسمشان در قرآن نیامده و صلاح آسمانی قرآن در همینه که دستبرد تحریف به قرآن دراز نشود کلیات گفته شود و تمام جزئیات به رسول اکرم سپرده شود اونوقت رسول اکرم بیان کرده کلیات قرآن در بیان رسول خدا روشن شده آیۀ اولو الامر مُجمل است یعنی روشن نیست کیانند أَطِیعُوا اللهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الأَمرِ مِنکُم[[14]](#footnote-14)3 کیانند؟خود قرآن ساکته اما رسول الله بیان فرموده که مراد از اولو الامر کیانند مثلا قرآن نشان داده که کسانی باید بیایند مُصلِح باشند در عالم و عالم را اصلاح کنند ولی کیانند؟ قرآن ساکته ولی روایات فراوان نشان داده اند وجود اقدس امام دوازدهم امام حجة ابن الحسن ارواح العالمین له الفداه در لسان صریح روایات آمده است در ذیل آیاتی از قرآن دربارۀ اون حضرت تعبیر شده روایات زیادی ما داریم و شاید دربارۀ هیچ امامی به اندازۀ امام عصر علیه الصلاة و السلام به اون کیفیت منظم روایات نرسیده باشه و دو مطلب زمان پیغمبر اکرم مورد بحث بوده همیشه بلکه از زمان انبیاء سلف یکی موضوع امام سید الشهداء علیه اسلام بوده یکی موضوع امام عصر علیه الصلاة و السلام بوده این دو مطلب همیشه مورد تذکر و بحث بوده که رسول الله صلی الله علیه و آله به شرایط مختلف که پیش می‌آمده تذکر می‌دادند این مطلب را دیگه ولذا این مسئلۀ ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اصلاح عالم بدست ایشان هم روایات متعددی آمده به ترتیب هم جمع آوری شده چند روایت از پیغمبر اکرم رسیده چند روایت از حضرت امیر علیه اسلام رسیده از امام مجتبی از امام سید الشهدا از امام زین العابدین از امام باقر از امام صادق تمام اینها جمع آوری شده کتاب منتخب الاثر در این زمینه بسیار کتاب جامعی ست و راهنمای خوبیه.کسی بخواد بدست بیاورد روایات مربوط به امام عصر علیه السلام را به ترتیب که از رسول اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام رسیده به اونجا مراجعه شود اونجا بیان می‌کند حالا یک روایت من اینجا ترجمه می‌کنم از امام مجتبی علیه السلام که اول روایت اینه که وقتی امام مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کردند بعد مردم داخل میشد می‌آمدند وارد می‌شدند و بعضی روی توجه نداشتن ملامت می‌کردند امام مجتبی را بعد امام مجتبی در جواب فرمود وَیْحَکُم مَا تَدرُونَ مَا عَمِلتُ [[15]](#footnote-15)4 وای بر شما؛ شما توجه ندارید نمی‌دانید که من چه کار کردم. وَ اللهِ للَّذِی عَمِلتُ لِشِیعَتِی خَیرٌ مِمَّا طَلَعَت عَلَیهِ الشَّمسُ أَو غَرَبَت کاری که من کردم اون چنان برای شیعه نافع است در تحکیم اساس مذهب تشیع اونچنان نافع است که از تمام اونچه آفتاب برش طلوع می‌کند یا غروب می‌کند برش نافع تره أَ لَا تَعلَمُونَ أَنِّی إِمَامُکُم آیا این باورتان نشده است که از جانب خدا و رسول خدا امام شما هستم منصوب به امامت برای شما هستم؟ وَ مُفتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَیکُم که اطاعت من بر شما واجب است وَ أَحَدُ سَیِّدَی شَبَابَ أَهلِ الجَنَّةِ بِنَصٍّ مِن رَسُولِ الله عَلَیَّ؟ به تصریح رسول خدا من یکی از دو سید جوانان بهشتم؟ قَالُوا بَلَی أَ مَا عَلِمتُم این مطالبی ست که اعتقاد به اون داریم أَ مَا عَلِمتُم أَنَّ الخَضِرَ لَمَّا خَرَقَ السَّفِینَةَ نمی‌دانید که وقتی خضر علیه السلام کشتی را در دریا سوراخ کرد که با موسی علیه السلام بود و حضرت موسی اعتراض کرد به او که چرا کشتی را سوراخ کردی که ممکن است آب وارد کشتی بشود و مردم غرق بشوند وَ أَقَامَ الجِدَارَ یا اون دیوار را که مستقیم کرد در شرف انهدام بود باز حضرت موسی اعتراض به او کردیا پسر بچه ای را که حسب ظاهر بیگناه بود کَشت حضرت موسی به حضرت خضر اعتراض کرد همۀ اینها در قرآن آمده در سورۀ کهف کَانَ ذلِکَ سَخَطاً لِموسی بن عمران علیه السلام تمام این جریانات موجب خشم موسی ابن عمران شد إِذ خَفِیَ عَلَیهِ وَجهُ الحِکمَةِ چرا؟ چون سر تمام این کارها بر موسی علیه السلام مخفی بود با اینکه هر دو پیغمبر بودند حضرت خضر پیغمبر معصوم و حضرت موسی هم پیغمبر معصوم و اولو العزم بوده اما حضرت خضر مأمور بود به کارهایی که جنبۀ باطنی داشت و حضرت موسی علیه السلام مأمور بود به ظواهر شرع مقدس باید روی ظواهر شرع عمل کند.ولذا روی ظاهر شرع حضرت موسی وظیفۀ اعتراض داشت حضرت خضر هم روی اون مأموریت باطنی خودش وظیفۀ کار داشت.اون کار را او انجام بده به اذن خدا او هم باید به اذن خدا اعتراض کنه برای اینکه اون ظاهر شرعه دیگه روی ظاهر شرع کشتن یک بچۀ بیگناه این جایز نیست روی ظاهر شرع ولی در عین حال کشنده اش پیغمبره حضرت خضر می‌کشد او را حضرت موسی هم پیغمبره او هم اعتراض می‌کند هر دو درسته.یعنی او روی مأموریت باطنی کار می‌کند این هم روی جنبۀ ظاهری اعتراض می‌کند فرمود که خَفِیَ این مطلب مخفی بود بر حضرت موسی حکمت این قضایا اشکالی هم نداره چون فَوقِ ذو علمٍ عَلیم حضرت موسی پیغمبری ست مبعوث از جانب خدا باید در این شرایط اعلم در زمان خودش باشه که حتی حضرت خضر هم در این شریعت تابع حضرت موسی علیه السلامه در شریعت حضرت خضر تابع موسی ست باید از حضرت موسی دستور بگیره بر اعمال ظاهری اش و از اون طرف هم حضرت خضر در یک رشتۀ دیگری احاطۀ دیگری و حقائق دیگری دارد که حضرت موسی نسبت به اون حقائق غافله اشکالی نداره بنا نیست یک پیغمبری آمد مثل حضرت موسی علیه السلام در شریعت اعلم الناس است در تمام مطالبی که در عالم هست این چنین باشه نه ممکنه حضرت خضر در اون مطالب اعلم از اوست اما حضرت موسی در علم شرایع اعلم از اوست و او باید ازش تبعیت کند وَ کَانَ ذَلِکَ عِندَ اللهِ تَعَالَی ذِکرُهُ حِکمَةً وَ صَوَاباً این کار در نزد خدا حکیمانه بود درست و مستقیم بود أَ مَا عَلِمتُم بعد فرمود که آیا ندانسته اید أنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إلَّا یَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیعَةٌ لِطَاغِیَةِ زَمَانِهِ إلّا القَائِمُ عج الَّذِی یُصَلِّی خَلفَهُ رُوحُ الله عِیسَی بنُ مَریَمَ عَلیهِ السَّلامُ بعد فرمود این را که می‌دانید که ما در هر زمانی ممکنه تحت شرایطی قرار بگیریم که در مقابل ما یک طاغوتی قرار بگیرد و ما مکلف نباشیم مقابل او بایستیم جوری که بخواهیم قدرت اعمال کنیم در مقابل او این هم هست گاهی شرایط پیش میاد که ما نمی‌توانیم مأمور نیستیم که از جانب خدا در مقابلش بایستیم تنها کسی از ما که مأموریت دارد در مقابل هیچ طاغوتی سکوت نکند فقط او حضرت مهدی علیه السلام است الَّذِی اون کسی که حضرت مسیح علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُخفِی وِلادَتَهُ تنها اوست که خداوند ولادت او را هم مخفی قرار می‌دهد وَ یُغَیِّبُ شَخصَهُ و شخص او را از انظار غایب می‌کند هم ولادتش مخفی که حتی حملش هم مخفی بود یعنی مادرش هم نمی‌دانست که حمل دارد وقتی هم بدنیا آمد ولادتش هم مخفی بود و دیگر اصلا زندگی اش هم مخفی بود و تا هر چند سالی هم که پدر بزرگوارشان هم که زنده بودند کسی نمی‌دانست که امام عسکری فرزندی دارد لِئَلَّا یَکُونَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَةٌ باید بماند در پس پردۀ غیبت تا وقتی ظاهر می‌شود دیگه هیچ طاغوتی از طاغوتهای زمان در مقابل نتواند اعمال قدرت کند و تا زمینه ای آماده نشده برای این جهت او ظاهر نخواهد شد ذلک التَّاسِع مِن أَخی الحسین او از برادر من حسین است یُطیلُ الله عمرهُ فِی غَیبَتِه خداوند عمر او را در غیبتش طولانی می‌کند ثمَّ یظهِرُهُ بِقُدرتِه بعد او را بعه قدرت خودش ظاهر می‌سازد فِی صُورَةٍ شابٍّ دُونَ أربَعیِنَ سَنَة در صورت جوانی ست که کمتر از چهل سال نشان می‌دهد یعنی هر که او را ببیند فکر می‌کند که چهل سالش نشده و این از خصائص امام عصر علیه السلام است که مرور زمان روی او موثر نیست یعنی قوای بدنی اش تحلیل نمی‌رود با تمام این عمر طولانی که دارد بدنش تمام قوای بدنی اش حالت یک انسان چهل ساله کمتر ثابت و استواره ذلِکَ لِیعلَمَ أنَّ الله عَلَی کلّ شیءٍ قَدیر این برای اینکه معلوم بشود خدا بر هر چیزی توانایی دارد ولذا مسئلۀ طول عمر امام عصر علیه السلام و پیر نشدنش تحت اثر مرور زمان قرار نگرفتن اینها از مظاهر قدرت پروردگاره ولذا کسی بخواهد دربارۀ امام زمان خصوصیاتش اول باید اثبات کند خدا را و قدرت خدا را بعد بگه قدرت خداوند است که بر هر چیزی قادره خلق امام زمان را و بعد ممکن است هزاران سال زنده نگهش بدارد و مرور زمان هم بر او اثر نگذارد و اگر کسی بدون بحث و قدرت پیش بیاد راجع به امام زمان بحث کنه مسلم بحثش به جایی نمی‌رسد و به بن بست گیر می‌کند ولذا اگر کسی بخواد با آدم منکر خدا راجع به امام زمان بحث کنه خب بحث غلطیه با منکر خدا بحث کردن راجع به امام زمان یک بحث بی فایده ایست برای اینکه می‌خواهیم وجود اقدس امام زمان را بر اساس قدرت مطلقۀ خدا اثبات کنیم و کسی که خدا را منکر باشه خب به هیچ وجهی نمی‌شود اثبات کرد که یه فرد انسانی از مادر متولد بشود و بعد هم زنده هست ولی دیده نمی‌شود پیش ما نشسته باشد و ما نبینیم و زمان هم برش بگذرد و پیر نشود بعد هزاران سال هم بیاد یه انسان چهل ساله بنظر برسه خب اینها روی قواعد عادی و طبیعی درست در نمیاد اگر با یه آدم طبیعی مسلک ما بخواهیم بحث کنیم و اثبات کنیم نمیشه ولذا ناچاریم اگر با کسی می‌خواهیم بحث کنیم بپرسیم خدا را قبول داری یا خیر اگر قبول ندارد باید بحث توحید کنیم با او نه بحث امامت باید بحث توحید کرد با او.اول توحیدش درست بشه صفات خدا را قبول داشته باشه بعد که رسید به افعال خدا چون وجود مقدس امام زمان یکی از افعال خداست و خداوند کاری در عالم کرده تحت قدرت مطلقه اش که انسانی را بیافریند و زنده نگهش بدارد و از مرور زمان هم از تأثیرش حفظش کنه این قدرت پروردگاره ولذا امام فرمود که ذلِکَ لِیعلَمَ أنَّ الله عَلَی کلّ شیءٍ قَدیر تا معلوم بشود که خداوند بر هر چیزی توانایی دارد.پس این یکی از روایاتی است که از امام مجتبی علیه السلاام رسیده.حالا وجود اقدس امام زمان علیه السلام هم که موجوده و زنده در عین حال افرادی شرفیاب حضور اقدسش می‌شوند و شده اند فراوان هم بوده خوبه که هر انسان شیعی مذهب یکی از کتابهای مربوط به کسانی که به ملاقات امام زمان مشرف شده اند داشته باشه مرحوم آقا حسین میرزا نوری استاد مرحوم آقا شیخ عباس رضوان الله تعالی علیه کتابی دارند کتاب نجم الثاقب کتاب خوبیه حکایت هایی که بوده است بزرگان رسیده اند شرفیاب شده اند به حضور اقدس امام عصر اونها را جمع آوری کرده اند هم یک کتاب حکایت و قصه است در عین حال بر اعتقاد انسان هم می‌افزاید عقیدۀ انسان بر وجود اقدس امام زمان محکمتر میشه خوبه که هر شیعه ای در خانواده اش داشته باشه این کتاب ها را با امام زمان بیشتر در ارتباط باشه و عرض ادب کند به وجود امام زمان ما وظیفه داریم دعا کنیم برای سلامت امام زمان و صدقات برای امام زمان یا نیابت حج بر وجود اقدسشان اینها برای عرض مودته نه اینکه اگر ما این کار را نکنیم ممکنه آسیب برسه به امام زمان نه اینها برای اینه که ما مودت مان را بر وجودشان عرض کنیم دیگه.هر آدم دوست داری موظف هست به محبوب خودش اظهار مودت کنه اظهار محبت کنه ما کسی که دوست داریم براش دعا می‌کنیم صدقه برای سلامتیش میدیم طول عمر برایش می‌خواهیم موظفیم دعا هم تعبدا رسیده برای طول عمر اقدسشان و سلامت وجودشان و هم صدقه برایشان این از تکالیف ماست در زمان غیبت و دیگر خود را آماده کردن برای حضورشان یعنی انتظار یعنی انسان وظایفی که بهش محول شده است واقعا به وظایفش عمل کند در هر شرایطی که هست وقتی امام زمان ظاهر شد امیدوار باشد که مورد قبول امام زمان واقع بشود جوری نشود که آدم بگه منتظرم در عین حال آلوده باشه و هیچ آمادگی برای حضور امام زمان نداشته باشه اینکه حالت انتظار نیست ولذا ما از خدا می‌خواهیم به حرمت امام زمان علیه السلام به همۀ ما توفیق انتظار به معنای واقعی عنایت بفرماید.

پروردگارا به آبروی امام زمان آبروی شیعه را در دنیا حفظ کن

به آبروی امام زمان آبروی رهبر عظیم الشأن انقلاب را در دنیا حفظ کن

پروردگارا رزمندگان ما را که دفاع از حریم مقدس اسلام می‌کنند همه شان را جسما روحا تقویت بفرما

با فتح و پیروزی نهایی به اوطانشان برگردان

مریضان ما خصوصا معلولین انقلاب شفای عاجل عنایت بفرما

به همۀ ما توفیق عمل به وظیفه عنایت بفرما

رحمَ الله مَن قرء الفاتحة مع الصلوات

1. .سورۀ نور، آیۀ 55 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سورۀ نجم، آیۀ 9 [↑](#footnote-ref-2)
3. 1.سورۀ قیامه، آیۀ 36 [↑](#footnote-ref-3)
4. 2. سورۀ قیامه، آیۀ 37 [↑](#footnote-ref-4)
5. 3. سورۀ قیامه، آیات 37 الی 39 [↑](#footnote-ref-5)
6. 1. سورۀ انبیاء، آیۀ 105 [↑](#footnote-ref-6)
7. 2. سورۀ توبه، آیۀ 33 [↑](#footnote-ref-7)
8. 3. سورۀ نور، آیۀ 55 [↑](#footnote-ref-8)
9. 1. سورۀ قصص، آیۀ 5 [↑](#footnote-ref-9)
10. 2. سورۀ مائده، آیۀ 3 [↑](#footnote-ref-10)
11. 3. سورۀ کهف، آیۀ 78 [↑](#footnote-ref-11)
12. 1. سورۀ انبیاء، آیۀ 105 [↑](#footnote-ref-12)
13. 2. سورۀ قصص، آیۀ 5 [↑](#footnote-ref-13)
14. 3. سورۀ نساء، آیۀ 59 [↑](#footnote-ref-14)
15. 4.الاحتجاج، ج2، ص 289 [↑](#footnote-ref-15)